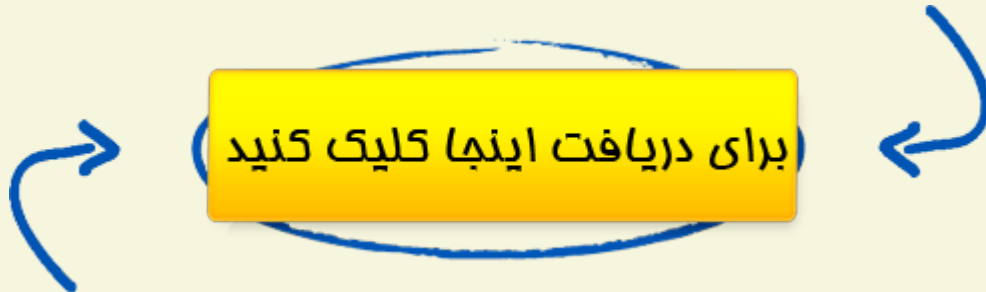


دانلود مقاله بررسی تاریخ آموزش آکادمیک معماری در ایران و باهاوس

جهت مشاهده [دانلود مقاله بررسی تاریخ آموزش آکادمیک معماری در ایران و باهاوس](#) به پایین همین صفحه

مراجعه نمایید

تعداد صفحات : 16 صفحه



چکیده

از عوامل بسیار مهم و تعیینکننده در بهوجود آمدن معماری در تمام دنیا، دانشگاهها، مدارس عالی و تشکیلاتی هستند که در امر آموزش علمی، عملی و هنری معماری نقش دارند و همچنین برنامه‌هایی که این مؤسسات طرح میریزند و بر طبق آن دانشجویان را تربیت و آماده کار میکنند. به‌عبارتی میتوان گفت که عامل آموزش مهمترین عامل بهوجود آورنده معماری را با کیفیت بالاست. مسئله آموزش آکادمیک معماری در مملکت ما قدمت چندانی ندارد و از سال ۱۳۱۹ که دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران به‌وجود آمد شکلی واقعی به‌خود گرفته است. از آن زمان تا دهه پنجاه دو مؤسسه مبتکر دیگر به وجود آمد. یکی دانشکده معماری دانشگاه ملی که در سال ۱۳۳۹ تأسیس شد و دیگری دانشکده علم و صنعت که بعد از آن تأسیس شده است. علاوه بر آن مهندسان راه و ساختمان نیز رسماً اجازه طرح نقشه یافتند و دانشکده فنی از تأسیس دانشگاه تهران به بعد دست‌اندرکار تربیت مهندس هستند.

بیش از شش دهه است که از آموزش معماری به شکل امروز در دانشگاههای ایران سپری میشود اما هنوز روش یا روشهای کاملاً رضایتبخشی شکل نگرفته است و این نکته کمابیش در همه دانشکدههای معماری وجود دارد. آموزش معماری در ایران دارای سه لایه ی آموزش آکادمیک، آموزش در دفاتر کار و آموزش کارگاهی است که در گذشته این لایه ها به هم متصل بوده ولی در حال حاضر از هم جدا شده اند همین عامل باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی در معماری معاصر گردیده است در این مقاله سعی شده است پس از بیان پیشینه ، بیان آثار و نتایج آن، و بررسی لایه های مختلف آموزش معماری در ایران ضرورت کسب تجربه و مهارت برای فارغ التحصیلان رشته ی معماری بیان گردد. در ادامه سیستم های آموزشی باهاوس به عنوان اولین الگوی آموزش نوین معماری مورد بررسی قرار می گیرد و آنگاه با

۱

ذکر مشکلات موجود در آموزش ایران، به جمع بندی مطالب فوق الذکر و ارائه ی نتایج حاصل در خصوص آموزش نیروی انسانی پرداخته می شود ، با ارائه ی پیشنهادات مختلف مقاله به پایان می رسد. در این نوشتار

بهبودتی ساده و کلی تلاش میشود که برخی از عواملی که موجب عدم شکلگیری روشهای مناسب و رضایتبخش آموزشی شده است، مورد اشاره قرار میگیرد. و مقایسه تطبیقی بین اولین مدارس آکادمیک جهان و ایران صورت گیرد.

واژههای کلیدی: آموزش، معماری، نیروی انسانی، ایران و جهان، باهاوس

مقدمه

به در قرن بیستم، یکی از کوشش‌هایی که جهت نزدیکی معماری به مهندسی ساختمان صورت می‌گیرد، تاسیس مدرسه باوهاوس است. ((گرو پیوس))، موسس این مدرسه، معتقد است که معمار باید صنعت گر هم باشد، کار با مصالح گوناگون را فرا گیرد، خواص و قابلیت‌های آن را بشناسد و همراه با آن، نظریه‌های فرم و

طراحی را هم بیاموزد.

از سوی دیگر، ((گوتمان)) در مقاله‌ی طراحی درباره‌ی مدارس معماری، کمبودهای آموزش معماری را مطرح می‌کند. از جمله‌ی این کمبودها، تاکید بیش از حد برنامه‌های درسی بر طراحی و تاریخچه‌ی نظری ایده‌های طراحی است، در حالی که معلوماتی که در مورد تکنولوژی ساختمان و اجرا داده می‌شود، بسیار کم است و دست‌اندرکاران صنعت ساختمان اغلب از کمبود اطلاعات فنی معماران شکایت می‌کنند. بنابراین، معمار باید

از دانش‌سازه‌ای کافی برخوردار باشد. (زرکش، ۱۳۸۴)

در ایران نیز چهل سال آموزش آکادمیک معماری که از ۱۳۱۹ در دانشکده هنرهای زیبا آغاز شد، به دلیل نداشتن جایگاه علمی و فلسفی متناسب با فرهنگ ایرانی و تقابل در مبانی فکری و نیز عدم ثبات فرهنگی کشور، نتوانست در تندباد جریان‌ات اجتماعی دوام بیاورد و سالیان بعد نیز روش‌های آغازین و میانی آموزش معماری هیچکدام جایگزین قابل قبولی پیدا نکردند.

آموزش معماری در دانشگاه تهران تا اواخر دهه چهل در سه دوره ریاست آندره گدار، محسن فروغی و هوشنگ سیحون روالی یکسان داشت و تقریباً نسخه کپی شده‌ای با ترجمه ایرانی از مدرسه معماری بوزار فرانسه بود. از همین سال هاست که اعتراض دانشجویان به محتوای دروس و اقتدارگرایی حاکم بر دانشکده، روند جدی به خود می‌گیرد. معضلات جامعه که به دنبال رویکردهای سیاسی - اقتصادی در کشور فزونی یافته بود. حوزه دانشگاه را نیز (که هیچگونه آمادگی برای پذیرش و یافتن راه حل برای آن‌ها نداشت) متأثر می‌ساخت. سیستم آموزشی حاکم با وجود داشتن مدافعانی چند، سال‌ها قبل در اروپا منسوخ شده و اینک استادان جوان و فارغ‌التحصیلان تازه وارد بودند که تغییرات را دنبال می‌کردند. پروفیسور رضا - رئیس جدید دانشگاه - سیستم مبتنی

۲

بر کرسی استادی را به روش نوینی که در آن از مربی‌گری تا استادیاری و استادی مسیر تعریف شده‌ای داشت، تغییر داد. و به دنبال آن نهاد گروه‌های آموزشی و ترم تحصیلی را وارد دانشگاه کرد.

اگر چه این اقدامات در مقابل سنت رایج و ماندگار اداری آن زمان نتوانست بطور کامل عمل کند، معهذاً موجب دگرگونی وسیع در نحوه آموزش عالی کشور گردید. این تغییرات تبعاتی نیز به همراه داشت. حکومت مراقب

بود که تحولات از چهارچوب آموزش عالی خارج نشود، اما حضور استادان جوان و سیر آموزه ها و اندیشه های نو، به وقوع جریانات اجتماعی - سیاسی در سال های بعد کمک کرد و دانشگاه به مرکزی برای هدایت خواسته های جامعه مبدل شد. در ادامه به بررسی مدرسه باهاوس و شیوه تاثیر گذاری آن در معماری آکادمیک ایران می پردازیم.

بهاوس مدرسه ای که یک سبک معماری شد

بهاوس نام یک مکتب معماری است که از نام مدرسه هنر و معماری بهاوس در آلمان گرفته شده است. این مدرسه معماری که توسط والتر گروپیوس در شهر سنتی و قدیمی وایمار تأسیس شد که از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ فعالیت می کرده است، پیشگام مدرنیسم در معماری بود و دستاوردهای آن هنوز نیز در رشته های هنر و معماری به دانشجویان تدریس می شود. ساختمان و کارگاه های این مدرسه در دو شهر دسائو و وایمار آلمان از سال ۱۹۹۶ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. مدرسه معماری بهاوس که در زبان آلمانی به معنی «خانه معماری» است، در دوران فعالیت چهارده ساله خود در آلمان، در سه شهر مختلف و تحت نظر سه آرشیست بزرگ که مدیریت بهاوس را نیز بر عهده داشته اند، فعالیت کرده است. این مدرسه ابتدا از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۵ در شهر وایمار، سپس از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۳ در دسائو و بالاخره از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۳، یعنی زمانی که این مدرسه به دستور حکومت نازی آلمان تعطیل شد، در برلین فعالیت می کرد. مدیریت این مدرسه نیز به ترتیب بر عهده والتر گروپیوس، هانیس مه یر، میس وان دروهه بود. این مکتب و مدرسه نقش مهمی در برقراری پیوند میان طرح و فن ایفا کرد. آموزه های آن پیش و پس از انحلال به عنوان نماد مدرنیته شناخته شد. ادعا می شود، روش آموزش در آنجا منحصراً متناسب با طراحی صنعتی تحول یافته است و این موسسه را مهد طراحی صنعتی مدرن میدانند. هدف اولیه از تأسیس مدرسه بهاوس، ایجاد مکانی بود که ترکیبی از مدارس معماری، صنایع دستی (چون نجاری، آهنگری و...) و آکادمی هنری بود. برنامه ریزان مدرسه بهاوس هنرهای زیبا را از صنایع دستی کاربردی ممتاز و متفاوت نمی دانستند و بر این باور بودند که هنر و معماری مدرن باید پاسخگوی نیازها و اقتضات جامعه صنعتی مدرن باشد و طراحی خوب باید از عهده آزمون های زیباشناختی و مهندسی برآید.

از جمله مهم ترین ساختمانها و آثاری که در طول فعالیت مدرسه بهاوس عمدتاً به دست استادان و مدیران مدرسه ساخته شد می توان به عمارت سامرفیلد و خانه اوته در برلین، خانه اوئرباخ در یانا و برج تریبیون در

۳

شیکاگو (که مدرسه بهاوس پس از برنده شدن در یک مسابقه بین المللی طراحی آن را بر عهده گرفت) اشاره کرد. اما مهم ترین بنایی که سبک معماری بهاوس در این دوره در آن متجلی شده است، ساختمان خود مدرسه در دسائو است که توسط والتر گروپیوس، مدیر وقت بهاوس، طراحی شده است.

پس از به قدرت رسیدن نازی ها و تعطیلی مدرسه بهاوس، مدیران و استادان مدرسه که همه از معماران طراز اول آن زمان بودند، به کشورهای مختلف در اروپای غربی، آمریکا و همچنین اسرائیل مهاجرت کردند. همچنین شماری از معماران بهاوس که به شیکاگو رفته بودند، بهاوس جدید را در این شهر تأسیس کردند و به تربیت معماران جوان ادامه دادند این مسئله کمک قابل توجهی به ترویج سبک معماری بهاوس در سراسر جهان کرد و آن را به گفتمان مسلط در معماری و طراحی صنعتی مدرن تبدیل کرد، چنان که این مکتب هنری امروز نیز همچنان نفوذ جهانی خود را حفظ کرده است.

اولین مرحله ساختار آموزشی، دوره ابتدایی بود که یوهانس ایتن آن را بنا نهاد سپری کردن این دوره برای تمام هنرجویان اجباری بود. در این دوره، یادگیری حالت عملی داشت. در حین کار عملی، شکل، رنگ، ماده و

بافت بر پایه مطالعات نظری بررسی و ترکیب می شدند. پس از آن نوبت آموزش در کارگاه فرا می رسید که شامل دو رشته دروس هنری و حرفه ای می شد و از سال ۱۹۲۴ رشته معماری نیز به آن افزوده شد. در این دوره برای تدریس کارهای تخصصی، همان شیوه دوره ابتدایی به کار گرفته می شد. گروپیوس در سال ۱۹۲۶ در رساله ای تحت عنوان " اصول تولیدی باوهاوس" چنین گفت : کارگاه های باوهاوس اساساً آزمایشگاه هایی هستند که در آنها نمونه هایی از محصولاتی که برای تولید انبوه و زمان ما مناسب هستند، به دقت تولید و به طور مداوم اصلاح می شوند. باوهاوس قصد دارد در این آزمایشگاه ها متخصصانی برای صنایع و حرفه های مختلف تربیت کند که در تکنولوژی و فرم به یک اندازه تبحر داشته باشند. برای خلق مجموعه ای از نمونه های استاندارد که به تمام ضرورت های اقتصاد، تکنولوژی و فرم بپردازد لازم است بهترین، همه فن حریف ترین و فرهیخته ترین افرادی را انتخاب کرد که در زمینه کار کارگاهی مجرب باشند و از عناصر طراحی و مکانیک و قوانینی که در آنها نهفته است اطلاع کامل داشته باشند. پس از آن کارگاه های باوهاوس به صورت آزمایشگاه های ساخت پیش نمونه برای تولید ماشینی درآمدند و بسیاری از فرآورده های این کارگاه ها (به خصوص میز و صندلی، منسوجات و لوازم چراغ برقی) با موافقت صاحبان صنایع در خط تولید کارخانه ای قرار گرفتند. سبک فرآورده

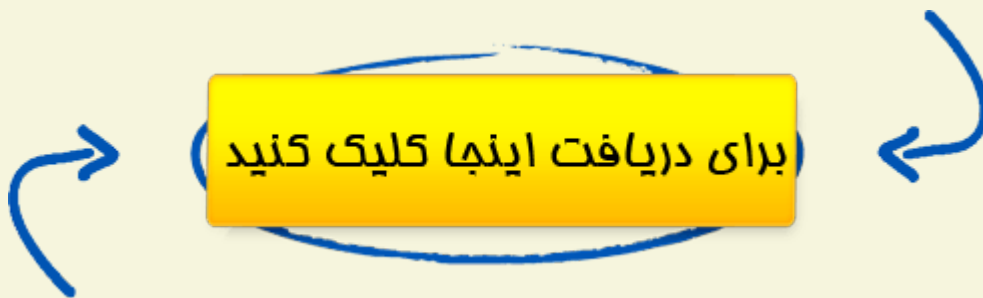
۴

های باوهاوس خصلت هندسی و ساده داشت و به سبب صرفه جویی در وسایل و مطالعه در کیفیت مواد از پالودگی خط و شکل برخوردار بود. ویژگی عمده سبک باوهاوس تکیه هر چه بیشتر بر کارکردگرایی، بهره گیری بهینه از خواص مواد و مصالح صنعتی، احتراز از تزئینات تجملی در نمای ساختمان ها و فرآورده های صنعتی بود. دستیابی به نوعی هماهنگی بین ضرورت های کارکردی و کیفیت زیباشناختی، خوش ساختی و خوش ترکیبی محصولات صنعتی از دیگر اهداف موسسان مدرسه باوهاوس بود. استادان باوهاوس به شاگردان خود یاد می دادند که همه چیز را بر مبنای نیازها طراحی کنند و از هیچ عنصری که فاقد کارکرد باشد و تنها جنبه زیباشناسانه داشته باشد استفاده نکنند. در مدرسه باوهاوس تاریخ معماری جایی میان دروس دانشجویان نداشتند، چرا که در باوهاوس قرار بود همه چیز بر مبنای اصول اولیه معماری و بدون توجه به آثار گذشتگان ساخته شود.

نحوه آموزش در باوهاوس

برنامه آموزشی مدرسه به صورت یک دوره کارآموزی و پس از آن ارائه و تدریس روش پایه به طور سخت و جدی معرفی شد. پایه و اصول تدریس در باوهاوس، کارگاه ها بودند. آموزش های کارگاهی، پیش از آن در مدارس اصلاح شده هنر و صنعت دیگر شهرهای آلمان، به عنوان عنصری مهم در آموزش هنر محسوب می شد. ولی چیزی که باوهاوس را از دیگر مؤسسات متمایز می کرد، سیستم آموزشی - کارگاهی آن بود. کارآموزان نه تنها توسط استادان متخصص در هر صنعت، بلکه به وسیله هنرمندان زیبا آموزش می دیدند. در برنامه های این مدرسه بر تحقیق برای پیدا کردن راه حل های پاره ای از مسائل مانند مسکن و شهر سازی و تولید انبوه با کیفیت بالا و سودمند که از نیازهای حیاتی آلمان فقر زده آن زمان بود تأکید می شد. گروپیوس برخی از بهترین و خلاق ترین مغزهای متفکر آن زمان از جمله پل کله، ایتن، کاندینسکی، موهولی ناگی، جوزف آلبرز را به خدمت گرفت همچنین از برخی اساتید جنبش های برجسته آوانگارد برای تدریس مدرسه دعوت می کرد. در زمان ایتن به نگرش متافیزیکی (انتزاعی) اهمیت می دادند و بر تجربه به مثابه ابزاری برای خودیابی تأکید می کردند. پس از کناره گیری ایتن در سال ۱۹۲۳، لازلو موهولی - ناگی و یوزف آلبرز، مدیریت دوره ابتدایی را به عهده گرفتند. آنها بر عینیت فنی و اقتصاد، و به دست آوردن حداکثر نتیجه با حداقل تلاش، تأکید می

ورزیدند که بار دیگر به اشکال هندسی و انتزاعی منجر شد که ریشه در یک نظریه ایدئالیست افلاطونی داشت.



مقالات مرتبط

- [دانلود مقاله بررسی مشکلات احیای بافت فرسوده: مرکز محله قلعه محمود کرمان](#)
- [دانلود مقاله راهکارهای معماری در طراحی فضای کودک با رویکرد ارتقاء خلاقیت](#)
- [دانلود مقاله مرتبه اخلاق در آموزش معماری \(تفاوت تربیت معمار در گذشته و آموزش معماری در حال از نظر اساتید استان مازندران\)](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ، ایران](#)
- [گت بیبر ، منبع مقالات انگلیسی ، و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)